

## پاسخنامه تشریحی

۱

الف فلسفی

ب موجودات مجرد

۲

الف درست

۳ از نظر دکارت حقیقت من، همان «روح» یا «نفس» است که مرکز اندیشه‌های ماست. این روح است که استدلال می‌کند، می‌پذیرد یا رد می‌کند. روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند و خاصیت‌های متفاوت دارند، گرچه با یکدیگر هستند و روح از بدن استفاده می‌کند. روح از قوانین فیزیکی آزاد است ولی بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی تبعیت می‌کند و آزاد نیست.

۴ ظرفیت روح انسان پایان ندارد و روح می‌تواند به هر مرتبه کمالی در جهان مخلوقات، دست یابد.

۵ از نظر افلاطون این حقیقت برتر همان نفس است. توجه و مراقبت از نفس باید وظیفه اصلی هر انسانی باشد تا بدین وسیله نفس زیبا شود و به فضایل آراسته گردد.

۶ از نظر وی «من»، همان «روح» یا «نفس» است که مرکز اندیشه‌های ماست. این روح است که استدلال می‌کند، می‌پذیرد یا رد می‌کند. روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند و خاصیت‌های متفاوت دارند، گرچه با یکدیگر هستند و روح از بدن استفاده می‌کند. روح از قوانین فیزیکی آزاد است ولی بدن از قوانین فیزیکی تبعیت می‌کند و آزاد نیست.

۷ او عقیده داشت که نفس انسان، همان جنبه نورانی وجود و جسم و بدن او همان جنبه ظلمانی اوست. این نفس، اگر نورانیت بیشتری کسب کند، حقایق هستی را بهتر رؤیت می‌کند و می‌تواند با کسب شایستگی و لیاقت بیشتر، مسیر کمال را طی کند.

۸ از نظر افلاطون فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می‌گردد. اما از نظر کانت هر کاری را، فقط بدان جهت که وجدان بدان دعوت می‌کند صرفاً برای اطاعت از وجدان انجام دهد، فضیلت شمرده می‌شود.

۹ علت انجام رذایل اخلاقی این است که گاهی میان فضیلت‌ها و منافع و تمایلات مادی و حیوانی انسان تلاقی پیدا می‌شود؛ در چنین شرایطی اگر تمایلات حیوانی و مادی قوی باشند انسان را به سوی خود می‌کشاند و مانع رسیدن او به فضیلت‌ها می‌شوند و حتی او را به سوی رذیلت‌ها سوق می‌دهند.

۱۰ داروینیست‌ها فیلسوفانی هستند که از نظریه داروین درباره پیدایش حیات، تحول تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان، نتایج فلسفی گرفتند. آنان می‌گویند انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست‌قامت. با این تفاوت که از سایر حیوانات پیچیده‌تر است و همان‌طور که یک کرم با یک پرنده تفاوت ندارد (هر دو حیوان‌اند) انسان نیز به جز پیچیدگی بیشمار تفاوت حقیقی با آنها ندارد.

۱۱ او انسان را موجودی مادی می‌دانست که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می‌دهند و نیازهایی مانند نیاز به اجتماع و قانون و نیاز به اخلاق، همه به خاطر نیازهای مادی پیدا شده‌اند.